

## فرمان اکید آیت الله العظمی وحید خراسانی

امسال نیمه شب نیمه شعبان، ساعت 11، همه باید دعای فرج را بخوانند.



امسال نیمه شب نیمه شعبان، ساعت 11، همه باید دعای فرج را بخوانند.

آیت الله العظمی وحید خراسانی از مراجع عظام تقلید در آستانه فرارسیدن نیمه شعبان در بیانات گهرباری عظمت ماه شعبان و مولود موعود آن را بیان کرده و عموم دلباختگان به حضرت حجت (عج) را موظف به قرائت دسته جمعی دعای فرج در ساعت 11 شب نیمه شعبان نمودند.

به گزارش مرکز خبر حوزه، متن کامل سخنان معظم له که در جمع تعدادی از جوانان و دانشجویان در مشهد مقدس ایراد شده به شرح ذیل است:

در آستانه حلول ماه شعبان المعظم هستیم، در این ماه شبی هست و در آن شب مولودی هست. عظمت آن شب و عظمت مولود آن شب فوق بیان و ادراک ماست. شیخ الطائفه در هزار سال قبل تقریباً، در کتاب مصباح المتعبد این دعا را ذکر می کند: مطلع دعا این است: اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها. چه شبی است که در این دعا خدا را به آن شب قسم باید داد و عظمت آن شب در چه حد است که امام دستور داده بگوئیم: بحق ليلتنا هذه؟

\*\*\*\*\*  
خورشید منظومه ملکوت

اما آن کس که آن شب متولد شده، آنجا دیگر گمیت عقل لنگ است. در ملک منظومه ای است، خدا در منظومه ملک، خورشید را آفریده، در ملکوت هم منظومه ای است و خورشید منظومه ملکوت، ولی عصر است، صاحب الزمان است. اگر چشمی قدرت دارد جرم خورشید را ببیند عقلي هم در عالم، قدرت دارد مقام آن خورشید را که اسمش صاحب الزمان است و مهدی موعود است، درک کند.

\*\*\*\*\*  
پیامبر را نشناخته ایم

ما عمری گذشت، هنوز نفهمیدیم رعیت چه امامی هستیم؟! وقتی امام زمان شناخته می شود که خاتم انبیاء، شخص اول عالم شناخته بشود. چرا؟ حدیث، صحیح است، معنای حدیث صحیح این است که تمام فقهاء عظام مذهب- بلا استثناء- بر طبق سند این حدیث در اعظم و ادق مسائل احکام خدا فتوا می دهند. فقهاء مذهب، مبانی شان در حجیت خبر مختلف است. عده ای کثیر خبر ثقه را حجت می دانند، عده ای مثل فقیه نحری، صاحب مدارک، به خبر ثقه هم فتوا نمی دهد، به خبر صحیح فتوا می دهد.

این مطلب در خبر صحیح است و آن خبر این است: رسول خدا فرمود: "المهدي من وُلدي اسمه اسمي وكنيته كنييتي؛ أشبه الناس بي، خلقا وخلقاً". عقل این جا دیگر گمیتش لنگ است.

اولا پیغمبر خاتم کیست؟

او کسی است که در قرآن یک سوره هست، اسم آن سوره، "سوره بلد" است. بعد به قرآن رجوع کنید، اسم سوره ها مختلف است: سوره یس، سوره صافات، سوره ملک؛ آن عمود سوره نقطه اسم سوره می شود.

این سوره اسمش "سوره بلد" است. بلد یعنی چه؟ شهر. مشهد شهر است. تهران شهر است. مدینه شهر است. مکه شهر است. خدا، ذات قدوسی که میلیاردها کهکشان به اراده او می گردد و می چرخد و تمام عالم امکان به امر "کن" از او "فیکون" است، همچو خدایی به آن شهری که پیغمبر خاتم در آن شهر است، قسم یاد می کند: "لا أقسمُ بهذا البلدِ، وأنت حلٌّ بهذا البلدِ"، چون تو در این شهری من به این شهر قسم یاد می کنم. عظمت خاتم این است، کیست او؟ آن کسی است که یک سوره در قرآن است به اسم "سوره اسراء" مبدأ سوره این است: "سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا".

مثل شیخ انصاری دیگر اینجا مبهوت می شود. خدا خودش را تسبیح می کند: سبحان الذي که او را آن شب به معراج برده. عظمت پیغمبر خاتم این است. "سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا". آن شب او را بردیم که آیات مان را به او نشان بدهیم. حالا آن آیات چیست؟!

\*\*\*\*\*  
ستاره های شب معراج

باز یک سوره در قرآن است به اسم سوره نجم: "وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى، وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى". قسم به نجم و ستاره یاد می کند بر شرح حال این پیغمبر. آن وقت مدح این است، مداح کیست؟ مداح خدا، مدح "سوره

والنجم"، مدح هم این است: " وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ، عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ، ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ، وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ، ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ... تا می‌رسد به آنجا: " لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ " .

\*\*\*\*\* آنکه مداحش خداست، مداح مهدی شده

این آیات چیست؟ آن وقت آن شب چه دید؟

شبی که به معراج رفت آن معراجی که خدا خودش را به آن معراج تسبیح می‌کند، پرده از مقابل چشمش برداشته شد، نگاه کرد دوازده ستاره دید. ستاره اول امیرالمومنین، بعد دید یک ستاره باز بین این ستاره‌ها مثل ستاره صبح می‌درخشید، پرسید پروردگارا! این کیست؟ خدا معرفی کرد: این مهدی آل محمد است. امام زمان این است. بعد حدیث صحیح این است: "المهدی من ولدی...". آن خاتم که مداحش خداست باز شده مداح امام زمان، مقام ولی عصر این است. "المهدی من ولدی إسمه إسمی کنیته کنیتی...". در عالم اسم پیغمبر خاتم و کنیه او برای احدی جائز نیست، فقط یک نفر است که هم اسم خاتم اسم اوست و هم کنیه خاتم کنیه اوست.

\*\*\*\*\* اسامی پیامبر (ص) مختص مهدی (عج) است

دو اسم پیغمبر دارد: اسم آسمانی احمد است؛ اسم زمینی محمد است. هر دو اسم را خود پیغمبر خاتم به امام زمان هدیه کرد: هم اسمش را، هم کنیه‌اش را. اسم، اسم خاتم؛ کنیه هم ابوالقاسم. این اسم و این کنیه برای هیچ امامی نیست الا ولی عصر. این است که امام زمان را بشناسید. آنجایی که عقل مبهوت است این است: شبهه الناس، شبهه ترین تمام مردم عالم هم در خلق، هم در خلق به من، آنچه پیغمبر دارد همه در وجود او منعکس است.

آنچه پیغمبر خاتم دارد چیست؟ علمی است که خدا در قرآن می‌فرماید: "وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا". علم او به حدی است که آیه الکرسی را بخوان: "العلی العظیم"، آن وقت آن "علی عظیم" به علم پیغمبر خاتم که می‌رسد تعبیرش این است: "وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا"، علمش به عظمتی است که خدای علی عظیم آن علم را عظیم شمرده است. می‌رسد به خلقش، می‌فرماید: "إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ" هم آن علم، هم آن خلق، هر دو به مهدی آل محمد داده شده. امام زمان این است.

\*\*\*\*\* درخواست موسی از خدا که اجابت نشد!

بعد از این همیشه نگران باشید این کلمات را به او با این نظر گفتگو کنید. هر چه معرفت بالاتر ارزش بیشتر. چه مقامی است؟! چه منصبی است؟! قرآن بخوان. موسی بن عمران کیست؟ موسی بن عمران کسی است که خدا در قرآن می‌فرماید: " وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا"، "وَتَادِيئَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا"

موسی بن عمران کسی بود که خدا نه آیه به او داد، یک آیه‌اش عصایی بود که انداخت، سحر تمام سحره را بلعید. یک آیه‌اش این بود: دستش را از آستین در می‌آورد دنیا را به آن دست منور می‌کرد، آن وقت همچو موسی بن عمران در سفر اول تمکین و فضلی که خدا به امام زمان داده مطالعه کرد. وقتی به مقام او پی برد، گفت: بارالها!... - این دعای موسی بن عمران است - گفت: بارالها! مرا به آن مقام برسان. مقام همچو مقامی است. چنین موسایی آرزو می‌کند. بعد جواب می‌آید: ای موسی! این مقام برای احدی میسر نیست.

باز دوباره نظر کرد، آن مناقب و آن فضائل و آن مکارم و آن کمالات را نسبت به آن حضرت دید، دوبار، باز دعا کرد: خدایا! مرا او قرار بده! جواب آمد: این میسر نیست.

مرتبه سوم... اینجا است که عقل همه علما، حکما، فقها مبهوت است. مرتبه سوم باز دعا کرد: خدایا مرا آن آخرین جانشین خاتم قرار بده. جواب آمد: میسر نیست. این است مقام امام زمان.

\*\*\*\*\* دل متصل به امام زمان (عج)

رابطه با او چیست؟ راه ارتباط این است. این شیشه را می‌بینید؟ تاریخ این شیشه را ببین. هرچه هست اینجاست. این لامپ شیشه بود، آن شیشه در دل سنگ بود، آمیخته به سنگ. آن سنگ رفت در کوره، ذوب شد، شیشه جدا شد، آن شیشه‌ها، ذرات، جمع شد. بعد شیشه گر آن ذرات را خمیر کرد، آخر در آن دمید، شد لامپ، بعد به این دستگاه متصل شد رابطه با برق پیدا کرد الان دیگر شیشه نیست، سرتا پا نور است. دل من وتو این است؛ روح ما هم این است. این روح آلوده به سنگ هوی وهوس است، باید به مجاهده جدا بشود از آن هوی وهوس، آن روح می‌شود شیشه صاف؛ بعد در کوره تقوا آن شیشه می‌شود لامپ، وقتی شد لامپ، مرکز برق امام زمان است، متصل می‌شود همان دل از این جوان به آن مرکز، یکسره می‌شود نور. راه این است.

\*مجسمه پیامبر می‌آید

امام زمان وقتی می‌آید مجسمه پیغمبر خاتم است. پیغمبر خاتم که بود؟ "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ". وجود امام زمان، رحمة للعالمین است؛ بعضی از نادانها تصور می‌کنند می‌آید قلع و قمع می‌کند، بعد فکر می‌کنند وقتی ما را می‌کشد پس چرا در انتظارش باشیم؟! اینقدر شعور نیست که درک کنند...؛ باغ را دیده‌ای؟ باغبان می‌آید در باغ خارها را از زمین می‌کشد. باید بکشد یا نه؟! باغ برای پرورش گل است، نه برای خار. همانطوری که باغبان از باغ خارها را درو می‌کند، امام زمان هم خارهای باغ انسانیت را درو می‌کند. اگر گل بشوی پرورشات می‌دهد.

جراح چه می‌کند؟ وقتی غده پیدا شود، اول آن غده را معالجه می‌کند تا جایی که میسر است مرهم می‌گذارد، دوا می‌دهد، اگر دوا اثر

نکرد، مرهم نتیجه نداد، آن وقت چه باید بکنند؟ یا باید این آدم بمیرد یا باید این غده درآید، آنجاست که جراحی می‌کند غده را در می‌آورد. به آن جراح می‌شود گفت: چرا غده را در آوردی؟! چرا تیغ کشیدی بر سر این بیچاره؟! امام زمان غده‌های انسانیت را در می‌آورد. این است که شمشیرش رحمت است، بخشش‌اش هم رحمت است؛ تمام وجود رحمت است.

خدایا! به خون سیدالشهداء، به آن لب زهر خورده علی بن موسی، همه ما را مورد نظر خاص او قرار بده! اگر یک نگاه کند با آن نگاه چه می‌کند؟! یک نظر او اثرش این است:

\*\*\*\*\* کرامتی شگفت‌انگیز

شیخ صدوق -علی الله مقامه- رأس المحدثین، او در کمال الدین نقل می‌کند از محمد بن حسن صیرفی، این مرد ساکن سرزمین بلخ بوده، مردم بلخ وجوهات مالشان را به این مرد می‌دهند که بیاورد در بغداد به نائب امام زمان، ابوالقاسم حسین بن روح، تحویل بدهد. خوب اینها را فکر کنید. بلخ کجا، بغداد کجا! آن هم آن زمان که از تهران تا مشهد دو ماه باید با مرکب راه بروند تا به اینجا برسند. از بلخ تا بغداد!

آن اموال را شمش طلا و نقره کرد. آماده سفر شد. مدت‌ها راه را طی کرد، رسید به سرخس، وقتی به سرخس رسید خیمه‌اش را در یک زمین ریگزاری نصب کرد، شمش‌ها را شمرد. یکی از این شمش‌ها در میان آن ریگ‌ها گم شد. این مرد امین از مال خودش رفت نقره خرید. رسید به همدان. باز از سرخس آن روز تا همدان، آنجا نقره‌ها را شمش کرد، این شمش را در میان آن شمش‌های نقره ضمیمه کرد، بعد از همدان بار سفر بست، رسید به بغداد. سراغ گرفت که ابوالقاسم حسین بن روح کجاست؟ وقتی خانه او را پیدا کرد، کیسه طلا و نقره و شمش‌ها را مقابل او گذاشت. این کسی است که نفس امام زمان به او رسیده، شمش‌ها همه مقابل او جمع شد، محمد بن حسن نگران است، دید حسین بن روح این شمش‌ها را زیر و رو کرد، یکی از اینها را درآورد، گفت: این شمش از ما نیست، شمش‌هایی که مربوط به ماست در سرخس در میانه ریگ‌ها گم شده، تو هم برای اینکه خیانت در امانت نکنی به همدان که رسیدی از مال خودت این سبیکه را درست کردی، در میانه این اموال گذاشتی، این برمی‌گردد به خودت، تو هم وقتی برگشتی به سرخس در همان جا خیمه می‌زنی بعد می‌گردی آن شمش گمشده را پیدا می‌کنی، بعد که پیدا کردی سفر دیگر که آمدی به بغداد دیگر مرا نمی‌بینی، به نائب بعد از من تحویل بده.

این کسی است که دم او، نفس او به این شخص خورده، به این مقام رسیده، گذشته را می‌بیند، آینده را می‌بیند، در بغداد است، بلخ و سرخس زیر نظر اوست، همدان در قبضه قدرت اوست. اگر نوکر امام زمان این است، نائب ولی عصر این است، آیا خود صاحب امر در چه مقامی است؟! این است که موسی بن عمران، کلیم الله حسرت مقام او را می‌خورد.

خوشا به حال شما اگر قدر بدانید.

\*\*\*\*\* همه با هم دعا کنیم

امسال نیمه شعبان، شب نیمه، ساعت 11، همه باید دعای فرج را بخوانید. دوره سال هم این برنامه را ترک نکنید. هر روز به قدری که وقتتان اجازه می‌دهد قرآن بخوانید، به خود ولی عصر هدیه کنید. اگر این کار را عمل کنید، تو، دوره سال هر روز بالاترین گوهر را که کلام الله است قرائت کنی، به او هدیه کنی، شب بیست و سوم رمضان که شب قدر است دفتر عملت به امضای او می‌رسد، آیا با تو چه معامله خواهد کرد؟

\*\*\*\*\* توصیه به جوانان برای قرائت قرآن و نماز اول وقت

افسوس که عمر گذشت و ما از این زندگی بهره‌ای که باید نبردیم. شما جوانید! از دوران جوانی کار کنید، قرآن را هر روز ترک نکنید، به امام زمان هدیه کنید، اگر یک گلی را کنار دسته گل بگذارید، روز اول اثری نمی‌بینی اما اگر یکماه این گل کنار آن گل بود بعد که برداشتی می‌بینی بوی گل می‌دهد. دل من و تو هم این جور است. یک روز قرآن بخوانی مثل گلی است که یک روز کنار گل است، اما اگر یکسال هر روز قرآن بخوانی، آن هم قرآن را به او هدیه کنی، به این هدیه برمی‌گردد به او، دیگر کار، کار تو نیست؛ می‌شود از من و تو هدیه‌ای به سلیمان زمان. آن وقت او به کرمش با ما چه معامله خواهد کرد؟! این است مقام، منصب، این است راه ارتباط با ولی عصر.

شما تصور می‌کنید که او از نظرها پنهان است ولی خبر ندارید که چشم‌ها از دیدن او محروم است اما اشعه انوار او بر همه این دلها می‌تابد. خودش فرمود: ما شما را فراموش نمی‌کنیم، ما مراعات شما را از دست نمی‌دهیم. همه شما تحت نظر اواید، سعی کنید از این نظر بیگانه نشوید. نماز را اول وقت بخوانید، رابطه را با خدا حفظ کنید، قرآن را هر روز بخوانید، به او هدیه کنید. با این دو عمل، هم به مبدأ عالم مرتبط‌اید، هم به حجت او، سعادت دنیا و آخرت نصیب همه شماست.

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیہ وعلی آباءہ، فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا وقائدا وناصر و دلیلا و عینا حتی تسکنه أرضک طوعا وتمتعه فیها طویلا.

اللهم أصلح کل فاسد من أمور المسلمین، اللهم صل وسلم علی ولیک وحتک صاحب العصر والزمان عدد ما فی علمک، بحق محمد وآله الطاهرین، والحمد لله رب العالمین.